



## کمپاین اروپایی برای حقوق بشر در افغانستان

افغانستان کشوریست که از قرن‌ها تا امروز با تاسف حقوق بشر زیر پا بوده و حاکمان وقت تا توانسته بودند، دست به ظلم و تعصب ویکه



تازی و دیکتاتوری زدند و جامعه و باشندگان آنرا به درجه های مختلف و فرقه های نژادی و قومی برتاییده و تا امروز چنین روش تک قومی و برتری جویانه دوامدارد و این حاکمان از قدرت و تساوی باشندگان ترس دارند و بقای خویش را در همین راهکار غیر انسانی تصور مینمایند؛ روی این اصل لازم است که غرض نهادینه ساختن حقوق بشر در افغانستان امروزی، در سیستم دولتی و نظام موجوده تغییرات به میان آید و جامعه جهانی و نخبگان داخلی

و خارجی میتوانند در جهت تغییر آوردن در سیستم نظام مرکزی به سیستم خودگردانی محلی و تقسیم قدرت بکوشند و حقوق بشر و تساوی حق مردوزن خود بخود در چنین نظام مردمی آهسته آهسته حل خواهد گردید و شیوه های تمامیت خواه نظام تک قومی و قبیلوی جایگاهش را به نظام مردمی و مردم سالاری تبدیل خواهد کرد؛ البته این کار به سادگی نمیتواند تحقق پذیرد، مبارزه و از خود گذشتگی را کار دارد و کوشش انسان دوستانه و مدبرانه را میطلبد؛ که در این راستا داکتر گرامی، نورالحق نسیمی توانسته است در این زمینه کارهای شایسته ای را انجام دهد و آگاهان بین المللی را در باره افغانستان بیشتر وادارد که تلاش نمایند تا در نهادینه ساختن حقوق بشر و برابری انسانها در کشور ما نیز توجه نمایند و راه های حل را در یابند و مردم مظلوم ما را یاری معنوی و رهنمایی حقوقی دهند!

در کشور ما پرابلیم عدم تساوی حقوقی وجود دارد و حق شهروندی که به اساس کرامت انسانی باید احترام و شناخته شود، اصلن وجود ندارد و حقوق زنان در این سرزمین در بسیاری موارد و مناطق پامال است و بر زنان بدیده تحقیر نگاه کرده میشود و زن از هیچگونه حق تصمیم گیری برای تامین سرنوشتش برخوردار نیست؛ همه اینها به نظر من سرچشمه از سیستم پوسیده قبیلوی و تک قومی میگردد و این سیستم مانند اژدهای دوسر در کوشش است که با هر وسیله ی که ممکن باشد سد راه رشد و رسیدن به حقوق شهروندی شود و حتی تا سرحد انتحار و بیجان سازی شهروندان جان فشانی دارند تا نگذارند انسانها از حقوق مساوی و حق تعیین سرنوشت برخوردار شوند. با تأسف که اداره کنونی افغانستان با نیرنگهای گوناگون جامعه جهانی را گول زده و هر روز جامه بدل مینماید تا به ادامه این سیستم جان کاه پردازد؛ یگانه راه منطقی روشنگری است که از سوی روشنفکران نترس و خود شناخته بطور مشخص صورت میگردد و این روشنگریها لازم است که در جهت آگاهی و معرفت جامعه جهانی هم صورت گیرد و آنهای که زبان این ادارات و این دانشمندان تأثیر گذار را میدانند، بایست که حقیقت جامعه افغانستان را پوست کنده و برهنه برملا سازند و علت درماندگی و عقب نگهداشتن کشور ما را برای جهانیان بیان بدارند، بس است که تا امروز ما در زیر لحاف سخن میزدیم و یا از هراس بوده و یا زبونی بوده و یا شرم و حیا،

امروز لازم است و بایستی است که در افشای حقایق ذهنیت های جهان را بیدار سازیم و برای مسوولین دنیا بفهمانیم که درد جامعه ما در کجاست و دوایش چیست؟

اگر مسایل هویت و هویت زدایست ، اگر عدم تساوی حقوق شهروندیست ، اگر سیستم جهالت بار قبیلوی و بدویست ، اگر تلقین گرایست ، هر آگری که به نظر دانشمندان دلیل به شمار می آید ، برای شهروندان و جامعه جهانی باید که گفته شود و مورد بحث و گفت و گو قرار گیرد؛ نام کشور هم یکی از پاره هایست که بخش زیاد مردم این سرزمین را از خود بیگانه ساخته است و نخبگان ما ، شاعران ما ، دانشمندان ما و سیاستمداران ما ، با تأسف که در این زمینه ها کمتر سخن میگویند و در زمینه های سخن میگویند که هیچ تاثیر ندارد فقط خوش خودشان می آید و بس ! منتظر هم هستند که نسل امروزی با دودست بر، از ایشان پذیرایی کنند. ما در گفتن و بیان حقایق متحد نیستیم و در نفاق و کوبیدن یکدیگر بیشتر اتفاق داریم که فلان نفر چه چیز را نوشته و این سخن از کی بوده و چرا سخن آنرا تکرار کرده ، عمر ما در ملامت کردن سطحی یک دیگر گذشت و به نتیجه نرسیدیم ، لازم است که با یک صدا حقایق پنهان کرده شده کشور را بر ملا سازیم و دنیا را بگویم که از این چنین سیستم تبهکار پشتیبانی کردن ، شمارا نیز شریک تبهکار میسازد و جان فرزندانان را در راه بیهوده و با افراد بیهوده و قلدر تمامیت خواه دشمن دموکراسی از دست ندهید و بیاید با مردم خردمند افغانستان گفت و گو نمایید و راه حل را یکجا با این مردم جستجو بدارید ، در غیر آن کارهایتان بی ثمر و کمکهایتان بی نتیجه خواهد بود و هر روز ترور و وحشت دامنگیر دنیا خواهد گردید ، با یک اشتباه تباهی در خواهد رسید و جمع کردنش آسان نخواهد بود؛

من آقای داکتر نسیمی را ندیده ام ، ولی از ابراز نظرهایش و از کوششهای فرهنگی و گسترش گرایش که دنیا را، نخبگان دنیا را ، سیاستمداران دنیا را تا حد توان که دارد به شکل انفرادی یا دسته جمعی روشنگری میکند ، محافل میگیرد و از مسوولین کشورها دعوت مینماید و افغانستان را با همه مشکلاتش برای دنیا بطوری که هست معرفی میدارد و این کاریست که نتیجه میدهد و کمکهای دنیا منبعا شاید به هدر نروند و اگر این کوشش همگانی شود و با دعوت داکتر نسیمی اگر لیک بیشتر گفته شود و در چنین محافل که زمینه سخن گفتن میسر است و درد دل بیان کردن برای هر فرد آسانتر است؛ لازم است که شرکت نمایم و دست بدست هم داده با آقای نسیمی همکاری کنیم و از غرور بیجا پایین آییم ، بخاطر نجات از سیستم قرون وسطی قبیلوی و نمایاندن فرهنگ پر افتخار و نامهای تاریخی کشور کوشش نمایم ، بدون شک به نتیجه نیکی دست خواهیم یافت و از اتحاد است که قدرت به میان می آید منظور از قدرت ، عدالت و برابری و تامین حقوق بشر است و ما امروز جز خانواده دنیا هستیم و با دنیا باید که خود را نزدیک گردانیم ، و پیام حق خواهی و برابری جوی را بگوش نخبگان دنیا برسانیم، تا از شر ترور و وحشت تفکر طالبانی در امان بمانیم . جنگ در افغانستان ، جنگ تمدن است و فرهنگ و تجدد است و عقب روی ، خرد است و نا بخردی ، تاریکی است و روشنایی ، دانش است و جهالت ، خردمند کسی است که چراغ روشن بدست گیرد و در جهت حق و برابری و تمدن پذیری بایستد و از فرهنگیان و نویسندگان گرامی خواهش میکنم که بیش از این دور از هم زندگی کردن و باهم نشدن و از خواسته های برحق مردم دفاع نکردن ، مایه از خود بیگانگی و زبونی را نشان میدهد ، بیاید بخاطر حفظ فرهنگ تاریخی و بر گشت هویت که همه را قناعت حاصل گردد و تساوی حق شهروندی در آن دیده شود ، دست بدست هم دهیم و در این راه راستین کوشش در خورو بسنده نمایم ، تا در آینده ، کوتاهی وجدانی در پیشگاه نسل جوان نداشته باشیم .

میرزایی